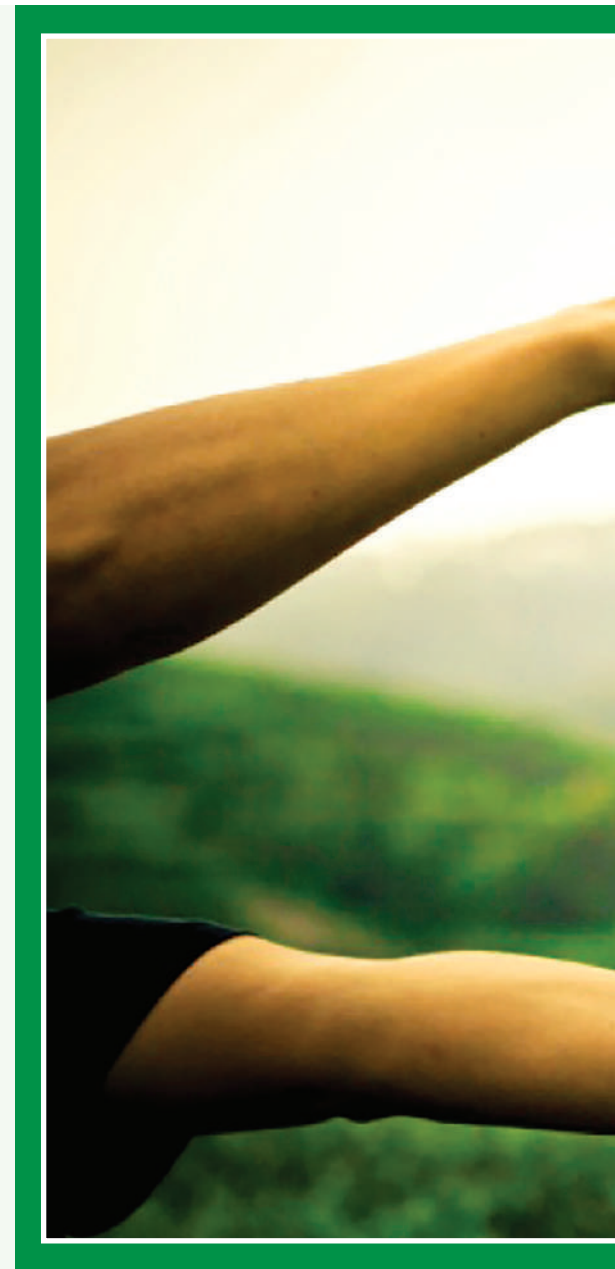




می شنیدم و با ساخته شدنش موافقت می کردم و جالب است بگویم شاید ۷۰ درصد فیلم‌های آن دوره را هم تلویزیون پخش کرد. به نظر من در فیلم کوتاه اعتماد کردن حرف اول را می‌زند.

جشنواره فیلم کوتاه تهران اکنون چهل سالگی خود را تجربه می‌کند به این بهانه عملکرد آن را در این سال‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جشنواره فیلم کوتاه تهران دریایی از استعدادها را به سینمای ایران معرفی کرده است. این رویداد بسیار تاثیر گذار بوده است اما شاید امروز به دلیل سرعت فضای مجازی و عصر دیجیتال باید برخی مختصات آن تغییر کند. بسیاری از دانش‌آموختگان سینما امروزه خودشان دوربین دارند و شرایط تولید ساده تر شده است بنابراین مدیریت سینمایی امروز اگر این تغییرات و روزآمدی را نشانساند ممکن است از جریان سینمای کوتاه دنیا عقب بماند.

اشاره به فیلمسازانی کردید که از سینمای جوان شروع کردند. چه نام‌هایی را از این جریان معرفی می‌کنید؟

محمدحسین مهدویان، مهدی جعفری و تقریباً اکثر سینماگران مطرح ما روزی از سینمای جوان کار خود را آغاز کردند. سینمای کوتاه باید سینمای مستقلی باشد. من در زمان مسئولیت خود به همه فیلمسازان می‌گفتم باید تلاش کنند بهترین کارشان را در حوزه فیلم کوتاه بسازند و گر نه فیلم‌هایشان شاید تنها تبدیل به سکاسی از یک فیلم بلند شود. در حالی که این سینمای بلند است که از فیلم کوتاه بهره برده و می‌برد.

در تعریف امروزی خود از فیلم کوتاه، نقش انجمن به عنوان متولی این سینما را چگونه می‌بینید؟ انجمن سینمای جوانان ایران شبیه به پدر یک خانواده عمل می‌کند. تجربه هوشمندانه و آگاهانه هر کسی دارد باید در آن مورد تشویق قرار بگیرد. انجمن سینمای جوان نباید بنا بر رویکرد قدیمی خود عمل کند. نکته دیگر این است که یک واحد مجزا در انجمن باید برای ایده پردازی وجود داشته

باشد و امکانات اولیه‌ای در اختیار فیلمسازان مستقل قرار بدهد. زیرا طوفان فیلمسازی خارج از چارچوب خود انجمن منتظر ما نخواهد ماند و همه فیلمسازان مستقل باید فکر کنند می‌توانند به انجمن تکیه کنند.

چه تفاوتی میان دولت‌های مختلف در نحوه مدیریت انجمن وجود داشته است؟

هر دولتی امور خودش را پیگیری می‌کند. این اشخاص هستند که می‌توانند از فرصت مدیریتی استفاده کنند. اما به طور کلی اگر دولتی توجه ویژه‌ای به کار فرهنگی داشته باشد به تبع دست این مدیران در اجرای تصمیمات خود بازتر است اما در رأس انجمن سینمای جوانان ایران همواره اینطور بوده که باید برای گرفتن امکانات جنگید و با سرعت دويد تا از فرصت‌ها بهترین بهره را برد. امکانات فعلی امروزمان، ماحصل تلاش شهدا و برکت حضور جوانانی است که باید قدرشان را بدانیم.

بسیاری از سینماگران وقتی صحبت از دوره‌های مدیریتی گذشته انجمن سینمای جوانان ایران می‌شود، از شما به عنوان یکی از میان مدیران موفق این نهاد یاد می‌کنند. خودتان چه مدیرانی را دارای عملکرد موفق ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من هر مدیر یا اساساً هر سینماگری در رشد انجمن سینمای جوانان ایران نقشی داشته است و آجری را بر این بنای مستحکم گذاشته است. به نظر من نمی‌توانیم تنها از یک یا چند نفر نام ببریم. بنیان‌گذاری انجمن در دوره آقای هاشمی و بعد حفظ آن در دوران آقای صانعی مقدم شاید کار خیلی سختی بود اما باید به یاد داشته باشیم که امروز دیگر نمی‌توانیم نظیر دهه ۶۰ این مجموعه را اداره کنیم. انجمن باید پوست بیاندازد و گر نه نمی‌تواند ناهمواری‌ها را طی کند. جوانان امروز با نسل ما تفاوت دارند. ماقبلارنج‌های زیادی برای ورود به سینما می‌کشیدیم اما امروز بچه‌ها فیلم و سینما را می‌شناسند و حرف‌های تکراری ما برایشان راهگشا نیست بنابراین باید روزآمد باشیم.

خاطره‌ای از حضور و همراهی با انجمن سینمای جوان و جشنواره فیلم کوتاه تهران به یادتان مانده است؟

به دلیل اینکه من خودم مدتی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و سینمای آزاد که بعدها مرکز اسلامی فیلمسازی و وابسته به تلویزیون شد، بودم، با هنرمندانی مثل ابراهیم حاتمی‌کیا، کمال تبریزی، سعید حاجی میری و... هم دوره بودیم و جشنواره راه می‌انداختیم و لذت کار کردن با فیلم سوپر هشت و... را تجربه می‌کردیم. گاهی در یک اتاق دو متری تا صبح مشغول مونتاژ بودیم. این لذت برای من با هیچ چیز برابر نبود بنابراین وقتی مدیر انجمن شدم خودم را همواره جای فیلمسازان می‌گذاشتم و سعی می‌کردم هر امکانی را در اختیار آن‌ها قرار بدهم تا سرشار از عشق، فیلمشان را بسازند. یکبار یکی از فیلمسازان به انجمن نامه‌ای نوشته بود و گفت پدرش گاوشان را فروخته است تا او بتواند فیلم بسازد و از ما کمک می‌خواست. فیلمسازان کوتاه‌فردا کوه‌کن هستند و نباید در این مسیر مانع‌شان شویم. روزهایی بود که شاید ۲۰ قرارداد برای فیلمسازان می‌بستم. به نظر من هزینه تولید فیلم کوتاه در برابر فیلم بلند چیزی نیست اما می‌تواند آینده یک نفر را تعیین کند. حتی گاهی تلفنی به دوستان قول می‌دادم که از فیلم‌شان حمایت می‌کنیم.

هوشنگ گلمکانی:

صنعت سینما عجب پیشرفتی کرده است!

هوشنگ گلمکانی منتقد با سابقه سینما و صاحب امتیاز مجله فیلم امروز که به عنوان یکی از بنیان‌گذاران مجله سینمایی «فیلم» شناخته می‌شود، با حضور در چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران،

خاطراتش را درباره نقد فیلم‌های کوتاه در دهه ۸۰ روایت کرد.

لطفاً در ابتدا درباره نقد فیلم کوتاه در مجله اختصاصی فیلم امروز بگوئید؟

دهه ۸۰ بود که در بخش نقد مجله فیلم، زیر عنوانی به اسم نقد فیلم کوتاه و نقد فیلم مستند در دست کرده بودم. بیشتر فیلم‌ها را هم خودم نقد می‌کردم. اما مساله این است که فیلم تا دیده نشود، چاپ نقد در یک نشریه عمومی معنا ندارد. از وقتی هم که رسانه‌های مجازی و اپلیکیشن‌ها آمدند، عملاً ذهن‌ها چندپاره شد و خود ما هم دچار بحران دوران جدید رسانه‌ای شدیم. ما هنوز نقد فیلم‌های کوتاه را می‌گذاریم، اما انعکاسی پیدا نمی‌کند، چون متمرکز دیده نمی‌شود. ما هم ژورنالیست حرفه‌ای هستیم و می‌خواهیم با مخاطب ارتباط داشته باشیم، پس مطلبی که مخاطب نداشته باشد، کم‌کم از کنداکتور ما حذف می‌شود.

نقد‌های شما معمولاً رویکرد مثبت داشت یا منفی؟

من فقط نقد فیلم‌های خوب را می‌نوشتم. چون با خودم می‌گفتم چه کاری است که درباره فیلم بد که کسی نخواهد دید و شاید فقط سازنده‌اش نقد را بخواند، بنویسم؟ چرا با آن نقد فقط توی ذوق آن فیلمساز بزنم؟

به هر حال من فیلم کوتاه را دنبال می‌کنم و فیلم‌های فیلمسازانی را که تماس می‌گیرند و پیام می‌دهند که فیلم را ببینم و نظر بدهم، تماشا می‌کنم. بعد تماس می‌گیرند و درباره فیلم‌هایشان صحبت می‌کنیم.

در واقع من به کار جوان‌ها توجه دارم و دنبال می‌کنم. معتقدم این همه استعداد جوان در یک مملکت، یک پدیده استثنایی است. در منطقه خودمان و کشورهای فارسی‌زبان اطراف، اصلاً این چیزها را نداریم. وجود این همه نیروی علاقه‌مند و مستعد فیلمسازی در کشور ما واقعاً حیرت‌انگیز است. اگر یادتان باشد، سال‌های سال است که پیش از جشنواره فیلم فجر، فیلم‌های اول را می‌بینم؛ زیرا کسی این فیلمسازها را نمی‌شناسد و ممکن است فیلمشان دیده نشوند. فیلم‌های برگزیده‌ها را معرفی و تماشای آن‌ها را توصیه می‌کنم.

ارزیابی شما از تماشا کردن و نمایش فیلم‌ها در جشنواره چیست؟

من برای نقد کردن و سواس دارم که بیش از یک بار فیلم‌ها را ببینم. این کار در جشنواره سخت است و به همین دلیل، بیشتر فیلم‌ها را سازنده‌ها به دستم می‌رساندند و در خانه تماشا می‌کردم.

حضور در جشنواره برای شما چه خاطراتی از گذشته را بازنمایی می‌کند؟

یاد خودم می‌افتم که زمانی با چه مشقتی فیلم ۸ میلی‌متری می‌ساختم. ما فیلم که می‌گرفتیم، در پاکت به نمایندگی شرکت آکفا که پایین ساختمان پلاسکو بود، می‌دادیم و آن‌ها فیلم را به آلمان می‌فرستادند. یک ماه طول می‌کشید که آن را برگردانند و در این مدت، نمی‌دانستیم چه اتفاقی می‌افتد. می‌گفتند اگر به فیلم‌ها آسیب وارد شود، یک حلقه فیلم خام به ما می‌دهند! البته در آن دوران مونتاژ دستی هم کار سختی بود. اصلاً نمی‌شد ریتم را در بیاوریم.

وقتی هم که کات می‌کردی، دیگر هیچ کارش نمی‌شد کرد. می‌بریدیم و با قلم‌مو چسب مایع می‌زدیم و نگه می‌داشتیم تا خشک شود! صداگذاری آن هم مکافات بود و نمی‌شد دقیق انجام داد. چون یک نسخه هم بیشتر نبود، وقتی داخل آپارات ۸ میلی‌متری می‌رفت، معلوم نبود سالم از ش بیرون بیاید! همه این‌ها به نظر من خیلی عادی بود. فکر می‌کردیم زندگی همین است! وقتی فیلم‌های کوتاه جوان‌ها را با آن ظرافت‌های تکنیکی می‌دیدیم، یاد خودمان می‌افتادم. مثل آقای هالو که می‌گفت صنعت عجب پیشرفتی کرده است.

